

(مرور زمان اسناد تجاری)**Interruption de la prescription****۴ - قطع مرور زمان**

ماده ۷۶۱ قانون آئین دادرسی مدنی موارد انقطاع مرور زمانرا بطور کلی معین میکند و ماده ۷۶۴ همان قانون اثر این قطع را در مورد مرور زمانهای بیست ساله و ده ساله و سه ساله و یکساله بیان مینماید و نظارتی بمرور زمانهای پنجساله ندارد. در ماده ۳۱۸ دو مورد زیر برای قطع مرور زمان پیش بینی شده است :

۱ - اقامه دعوی در دادگاه .

۲ - اقرار بدین .

در این دو مورد برخلاف حکم کلی ماده ۷۶۴ قانون آئین دادرسی، مهلت مرور زمان مجدداً شروع خواهد شد. قبل از تشریح موضوعاتیکه قاطع مرور زمان است ، باین نکته باید توجه نمود که اعتراض در صورتی در شروع مرور زمان مؤثر واقع میشود که ظرف مهلت قانونی بعمل آمده باشد ، زیرا پروتست در حقوق تجارت تنها بمنزله یکتذاتحظار قانونی است ، و اخطاریه یا اظهارنامه که برخلاف قانون صادر شده باشد ، نمیتواند منشاء اثری واقع گردد .

الف - اقامه دعوی در دادگاه - همانطوریکه گفته شد بموجب ماده ۳۱۸ قانون تجارت ، اقامه دعوی در دادگاه مرور زمانرا قطع مینماید و مهلت مرور زمان مجدداً از تاریخ تقدیم دادخواست شروع خواهد شد ، ولی برطبق ماده ۷۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی ، در موارد زیر اقامه دعوی تأثیری در جریان مرور زمان ندارد :

۱ - در صورتیکه دادخواست بواسطه نداشتن شرایط قانونی یا بجهت دیگری باطل یا مردود شود - بدیهی است تقدیم دادخواستی که فاقد شرایط قانونی باشد ، از نظر قانون اقامه دعوی محسوب نمیگردد ، و صدور قرار رد یا ابطال دادخواست نیز جریان دعوی را از ابتدا کمان لم یکن میسازد و مانند آنستکه از ابتداء دعوائی اقامه نشده باشد .

۲ - در صورتیکه مدعی دعوی خود را استرداد کند .

۳ - در صورتیکه دعوی مدعی بجهتی از جهات قانونی مردود یا ساقط شود .

۴ - در صورتیکه دادخواست بدادگاه غیر صالح داده شده و تا سه ماه پس از

ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت ، در دادگاه صلاحیتدار دعوی اقامه نشود . واضح است ، دادخواستی که بدادگاه غیر صالح تقدیم شده باشد ، نمیتواند اقامه دعوی تلقی گردد - نکته قابل توجه اینستکه اگر دارنده براتی قبل از اتمام مدت پنجسال در دادگاه غیر صالح دعوی اقامه نمود و پس از ابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت ، ظرف سه ماه در دادگاه صلاحیتدار

مرور زمان اسناد تجاری

اقامه دعوی کرد و در خلال سه ماه مزبور ، دعوی مشمول مرور زمان پنج ساله گردید ، باید دید آیا دادخواست سابق بر طبق شق ۴ ماده ۷۶۲ مرور زمانرا قطع و مهلت جدید از تاریخ مزبور مجدداً شروع میشود ، یا بر طبق ماده ۳۱۸ قانون تجارت دعوی اقامه شده مشمول مرور زمان میباشد ؟

بنظر نگارنده چون شق ۴ ماده ۷۶۲ مابینتی با ماده ۳۱۸ ندارد و قواعد کلی قانون مدنی در صورتیکه نص خاصی برخلاف آنها نباشد ، در امور تجاری نیز قابل استناد است لذا مرور زمانرا باید قطع شده دانست و آخرین تعقیب قضائی دعوی سابق تاریخ شروع مرور زمان میباشد .

طرح دوسئله زیر نیز برای تکمیل مطلب و روشن شدن اثرات اقامه دعوی بنظر ضروری میرسد :

اول - اگر قبل از حصول مرور زمان ، در دادگاه صالحه دعوی اقامه و منجر بصدور حکم حضوری بر علیه متعهد ورقه تجاری گردید ، آیا در اینمورد نیز مرور زمان پنجساله ، از تاریخ صدور حکم که آخرین تعقیب قضائی خواهان نیز محسوب میشود ، مجدداً شروع خواهد شد یا نه ؟ .

قانون تجارت فرانسه صریحاً موردی را که دعوی منجر بصدور حکم محکومیت شده باشد ، از حکم کلی استثناء نموده است ، ولی باید دید با سکوت قانونگذاران ایران چه راه حلی عاقلانه تر بنظر میرسد ؟

البته در اینمورد تا آنجاکه نگارنده اطلاع دارد رویه قضائی موجود نیست ، ولی چون پس از صدور حکم ، سند قضائی جدیدی قائم مقام برات یافته طلب گردیده و از نظر اصول نیز پس از صدور حکم ، موضوع نقض و ابرام حکم صادره و یا اجرای آن مورد توجه است نه مستندات حکم مزبور ، لذا بنظر میرسد که پس از صدور حکم محکومیت متعهد ورقه تجاری ، دعوی دارنده مشمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت نخواهد بود .

دوم - در صورتیکه دعوی دارنده منجر بصدور حکم غیابی بر علیه متعهد شود ، و پس از قطعیت حکم غیابی نیز مدعی درخواست صدور اجرائیه آن نماید ، بر طبق ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی ، پس از شش ماه از تاریخ صدور حکم مزبور ملغی الاثر است . حال باید دید آیا چنین دعوائی مرور زمانرا قطع میکند ، یا مانند مواردیکه دادخواست و یا دعوی مردود و باطل شده تأثیری در جریان مرور زمان ندارد ؟ .

بنظر میرسد که موضوع بحث با مواردیکه دادخواست شرایط لازم را نداشته و یا بدادگاه غیر صالح داده شده و یا سایر موارد مندرج در ماده ۷۶۲ قانون آئین دادرسی تفاوت کلی دارد ، زیرا در مورد حکم غیابی قانون فقط حکم صادره را ملغی الاثر دانسته ، و بنا بر این جریان دعوی را نمیتوان نادیده گرفت ؛ و حال آنکه در موضوع ماده ۷۶۲ چون تعقیب قضائی صحیح بعمل نیامده و یا در اثر تصمیم دادگاه جریانات گذشته ابطال شده است ، مانند اینستکه قانوناً دعوائی اقامه نشده است . بنا بر این آخرین تعقیب قضائی در مورد

مرور زمان اسناد تجاری

حکم غیابی، تاریخ شروع مرور زمان محسوب خواهد شد، منتهی این نکته را نیز باید در نظر داشت که تاریخ شروع مرور زمان فقط از تاریخ آخرین تعقیب قضائی محسوب میشود و تاریخ صدور حکم غیابی که بموجب ماده ۱۷۳ ملغی الاثر اعلام شده تأثیری در موضوع ندارد.

ب - اقرار بدین - راجع باثر اقرار دو عقیده متضاد وجود دارد. بعضی عقیده دارند که اثر اقرار مربوط بسند قضائی است که قبلاً تنظیم شده، و عده دیگری بالعکس اقرار را سند قضائی جدیدی میدانند که قائم مقام اسناد قبلی میگردد.

ماده ۳۱۸ قانون تجارت از عقیده دوم پیروی کرده و برای اقرار اثر خاصی قائل شده و بجای آنکه مرور زمان را قطع شده بداند، صریحاً مقرر داشته که مدت از نوع شروع خواهد شد. حال باید دید چه نوع اقراری میتواند مرور زمان را قطع کند.

ماده ۳۱۸ با این عبارت که «مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد» صفت رسمیت را برای اقرار قید نموده و معلوم نیست که مقصود قانونگذار از این قید چیست و آیا مقصود اینست که اقرار باید صریح در موضوع و مبهم نباشد؟

بموجب شق ۲ از ماده ۷۶۱ قانون آئین دادرسی مدنی، اقرار بدون دردگاه و یا درستی که با امضاء اوست برای قطع مرور زمان کافی میباشد، و با توجه باینکه بر طبق قانون مدنی اقرار شفاهی خارج از دادگاه را نمیتوان بوسیله شهادت شهود اثبات نمود، شاید بتوان ادعا کرد که مقصود ماده از قید کلمه رسمی طرد اقرار شفاهی خارج از دادگاه باشد. آیا قطع مرور زمان مطلق است یا نسبی - بدین مبنی که باید دید اگر مرور زمان نسبت بیکی از امضاء کنندگان قطع میشود، آیا این قطع در مورد سایر متعهدین که با یکدیگر مسئولیت تضامنی دارند نیز مؤثر است یا نه؟

بعضی از حقوقدانان فرانسه بموجب مواد ۱۲۰۹ و ۲۲۴۹ قانون مدنی فرانسه استناد کرده میگویند چنانچه در مواد مزبور مندرج است، در موردیکه چند نفر متضامناً مسئول پرداخت دینی هستند، قطع مرور زمان و لو که فقط نسبت بیکی از آنان باشد، درباره دیگران نیز مؤثر است. در حقوق ما مواد مزبور وجود ندارد و بدلائل زیر میتوان گفت که عقیده مزبور در حقوق تجارت ایران قابل قبول نیست:

اولاً - حقوق تجارت، قواعد خاصی دارد که حتی الامکان باید از مواد قانون تجارت استخراج شود و در قانون فعلی مسلماً وبدون تردید اگر دارنده برات از حق که ماده ۲۸۶ برای او شناخته استفاده کرد، و ظرف سه ماه برای مطالبه طلب خود بر علیه یکی از مسئولین اقامه دعوی نمود، این عمل موجب نمیشود که پس از سه ماه نیز نسبت بدیگران هم حق رجوع داشته باشد. بنا بر این از روح ماده مزبور و ملاکی که برای قطع مرور زمان اسقاط حق در نظر گرفته چنین برمیآید که قطع مرور زمان نیز اگر نسبت بیکی از مدیونین انجام شده باشد، در مورد سایرین تأثیری ندارد.

ثانیاً - مطابق اصول کلی حقوقی، سرایت اثر عمل دارنده برات نسبت بتمام مسئولین

مرور زمان اسناد تجاری

دلیل خاص لازم دارد، و نمیتوان عملی را که در حق یکی از مسئولین مؤثر واقع شده، بدیگران نیز بدون دلیل تحمیل کرد. ولی این دلایل را از چند جهت میتوان مورد تردید قرار داد:

۱ - همانطور که گفته شد، مواردی که حق دارنده برات در مراجعه بظهر نویسیها ساقط میشود، از نظر حقوقی مانند مهلت استیناف و تمیز بوده با مرور زمان قابل قیاس نمیباشد و هیچ عاملی نمیتواند آنرا قطع کند. بنابراین بحث در این مورد که آیا قطع مرور زمان مطلق است یا نسبی بيمورد میباشد.

۲ - با صراحت ماده ۹۳ قانون تجارت که مقرر میدارد «در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع بآنها را دارد قاطع مرور زمان نسبت بدیگران نیز هست» و با توجه باینکه خصوصیتی در معاملات مصرح در ماده ۹۲ برای این حکم وجود ندارد، تصور نمیشود دادرسی دادگاه بتواند قطع مرور زمانرا نسبی بداند.

آیا مرور زمان بیش از یکبار نیز قابل انقطاع است؟

در ماده ۲۱۸ قانون تجارت دو عامل برای قطع مرور زمان معین شده است، و باید دید که آیا دو عامل مزبور ولو که متعاقب یکدیگر هم باشند میتوانند مرور زمانرا قطع کنند یا نه؟

در این موضوع حکمی در قانون تجارت وجود ندارد و پیش بینی نشده که مثلاً اگر دعوی در دادگاه اقامه شود و ضمن جریان دعوی، مدیون اقرار بدین نماید آیا تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ اقامه دعوی است یا تاریخ اقرار؟

بموجب ماده ۷۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی «مرور زمان بیش از یکدفعه منقطع نمیگردد» بنا بر این ممکن است استدلال شود که تاریخ مرور زمان در مثال فوق تاریخ اقامه دعوی است و شاید این استدلال بمنتظر قانونگذار نیز توافق بیشتری داشته باشد، ولی، با توجه بسیاق عبارت ماده ۳۱۸ که مقرر میدارد «دعاوی راجعه ببرات فته طلب چک... پس از انقضای پنجسال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود، مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده که در اینصورت بیده مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است...» و در نظر گرفتن جهات اختلافی که حکم ماده ۳۱۸ با سایر موارد انقطاع مرور زمان دارد، بنظر مشکل میرسد که دادرسی دادگاه بتواند باستناد ماده ۷۶۵ تاریخ شروع مرور زمانرا از تاریخ تقدیم دادخواست بداند.

۵ - تعلیق مرور زمان Suspension de la prescription

در ماده ۳۱۸ قانون تجارت موردی برای تعلیق مرور زمان پنجساله پیش بینی نشده است، حقوقدانان فرانسوی عقیده دارند که مرور زمان پنجساله نسبت بهرکس و حتی نسبت بصغیر و مجنون نیز جاری میشود و حتی قوه قاهره Force majeure نیز قادر بتعلیق این مرور زمان نیست. حقوقدانان مزبور برای توجیه نظر خود بماده ۲۲۵۱ قانون مدنی که مقرر

مرور زمان اسناد تجاری

میدارد « مرور زمان بر علیه تمام اشخاص جاری میشود ، بشرط اینکه بموجب قانون استثناء شده باشد » اشاره کرده میگویند چون در قانون برای فرس مازر قاعده استثنائی وضع نشده وباضافه مرور زمان پنجساله جزء مرور زمان های کوتاه و برطبق قانون مدنی بر علیه صغیر ومجنون نیز قابل جریان است ، لذا مرور زمان برات وقته طلب وچک قابل تعلیق نمیشد . گرچه در حقوق مانیز ممکن است استدلال شود که مرور زمان پنجساله مندرج در ماده ۳۱۸ تابع قواعد کلی نبوده وتعلیق نمیشود، ولی بنظر میرسد که چون حکم استثنائی در قانون تجارت وجود ندارد، و موضوعات تجاری در صورت نبودن نص صریح مخالف، تابع قانون مدنی میباشد ، لذا مرور زمان پنجساله نیز تابع مواد ۷۵۱ الی ۷۵۸ قانون دادرسی مدنی باشد . البته در آتیه رویه های قضائی محاکم موضوع را روشن خواهد کرد .

۶ - مدعی ومدعی علیه چه کسانی هستند؟

از توضیحات گذشته معلوم شد که مدعی در ماده ۳۱۸ قانون تجارت ، عبارتست از دارنده برات وقائم مقام او، یعنی کسیکه پول را باو پرداخته است ، ولی در مورد تشخیص مدعی علیه ، ممکن است مساله دچار اشکال شود . قبلاً باید توجه داشت که ظهرنویسها بموجب قانون نمیتوانند در مقابل دارنده اصلی برات مدعی علیه باشند ، وماده ۳۱۸ اساساً نظارتی بدعوی مزبور ندارد ، زیرا بموجب ماده ۲۸۶ دارنده برات اگر بخواهد از حق خود در مورد مسئولیت تضامنی ظهر نویسها استفاده کند ، باید ظرف سه ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید و برطبق ماده ۲۸۹ پس از انقضای مهلت مزبور دعوی دارنده برات بر ظهر نویسها پذیرفته نخواهد شد . بنابراین مسئولیت ظهر نویسها که در حقیقت فقط ضامن پرداخت وجه ورقه تجاری هستند، برطبق قانون تجارت سه ماه محدود گردیده وبعد از آن اقامه دعوی بر علیه ایشان مجوزی ندارد ، واز برات نیز استفاده بلاجهتی نموده اند که از این لحاظ مورد مواخذه قرار گیرند، بهمین ترتیب در مقابل ظهر نویس ماقبل نیز ، در صورتی ظهر نویسها میتوانند مدعی علیه باشند که از تاریخ ابلاغ احضاریه به محکمه باو بیش از سه ماه نگذشته باشد .

مسئله مورد ابهام اینست که اگر محل در نزد محال علیه توسط صادر کننده آماده باشد ، ومعلولک محال علیه بدون جهت آنرا قبولی ننویسد ، آیا دارنده برات میتواند وجه برات را از او مطالبه نماید یا نه ؟

بموجب قانون تجارت فرانسه ، پس از امضاء برات محل آن بدارنده منتقل میشود ، و بنابراین صدور برات بمنزله انتقال طلب است و رضایت محال علیه تأثیری در این انتقال ندارد ، قبل از تصویب قانون مزبور نیز رویه قضائی بهمین ترتیب قضیه را حل میکرد . در قانون بلژیک نیز انتقال محل تصریح شده ، ولی قوانین بعضی از کشورها از جمله آلمان ، اسکاندیناوی و ایران در این موضوع ساکت است وحل مسأله نظری میباشد .

مرور زمان اسناد تجاری

اگر صادر کننده برات مدیون بمحتال باشد ، چون از لحاظ حقوق مادی درجائی که متن مخالفی نباشد ، برات تابع قانون مدنی و مبحث حواله است ، و برای انتقال طلب و تحقق حواله برطبق ماده ۷۲۵ قانون مدنی قبول محال علیه نیز شرط است ، لذا دارنده برات مسلماً نمیتواند قبل از قبولی محال علیه باو مراجعه کند .

اما اگر صادرکننده بمحتال مدیون نباشد ، برطبق ماده ۷۲۶ قانون مدنی احکام حواله در قرارداد مزبور جاری نخواهد بود . بنابراین ممکن است استدلال شود که صدور برات انتقال طلب ساده ایست که برطبق شق ۳ از ماده ۲۹۲ قانون مدنی احتیاجی برضایت مدیون ندارد ، و دارنده میتواند رسماً برای وصول طلبی که باو منتقل شده بمحال علیه مراجعه کنند . استدلال مزبور با قاعده که از مجموع مقررات مربوط برات که فقط قبول کننده را ملزم پرداخت وجه آن مینماید منافات دارد ، مخصوصاً از مفهوم مخالف ماده ۲۳۰ که مقرر میدارد : « قبول کننده برات ملزم است وجه آنرا سر وعده تأدیه نماید . » میتوان نتیجه گرفت که محال علیه قبل از قبولی تعهدی درپرداخت برات ندارد ، و چون در صورت مغایرت ، مقررات قانون تجارت بر قانون مدنی رجحان دارد ؛ لذا بنظر میرسد که دارنده برات قبل از قبولی در این مورد نیز حق مراجعه بمحال علیه را ندارد .

۷ - کیفیت و اثر مرور زمان پنجساله :

مرور زمان اسناد تجاری در اثر فرض قانونی بوجود آمده که قبل از قانون تجارت فرانسه در فرمان مورخه ۱۹۷۳ بیان شده و طبق فرمان مزبور ، برات و قته طلب بعد از مدت پنجسال پرداخته شده محسوب میشود .

این معنی در ماده ۱۸۹ قانون تجارت فرانسه نیز وارد شده است ، چنانچه بعد از حصول مرور زمان نیز بموجب ماده مزبور مسئولین باید برائت ذمه خود را بوسیله سوگند اثبات نمایند . در حقوق ما اثری از این فرض وجود ندارد و باید دید مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ را چگونه میتوان تلفیق داده اجرا کرد . متضرر بلاجهت کیست و عقاید ابراز شده تا چه حد صحیح است ؟

در حقوق فرانسه ماده شصت و یک ماده ۳۱۹ قانون تجارت وجود ندارد ، و در توجیه ماده ۱۸۹ که نظیر ماده ۳۱۸ ما است . دو استدلال متضاد وجود دارد : بعضی میگویند که صدور برات و یا ظهر نویسی آن ، ماهیت دین را تغییر نمیدهد ، و بعد از مرور زمان اسناد تجاری ، اصل دین تا حصول مرور زمان مربوط بخود قابل مطالبه است .

عده دیگر این استدلال را شدیداً مورد انتقاد قرار داده میگویند : راست است که صدور برات و ظهر نویسی آن ، در ماهیت دین تغییری نمیدهد ، ولی کسیکه برات بنفع او صادر و یا ظهر نویسی میشود ، ضمناً تعهداتی را قبول مینماید که از جمله رضایت او بمرور زمان پنجساله میباشد و بنابراین بعد از حصول مرور زمان حق مطالبه او ساقط خواهد شد .

۱. Les lettres ou billets de change seront réputés acquittés après cinq ans de cessation de demander et poursuite

مرور زمان اسناد تجاری

در حقوق ما همانطور که توضیح داده شد ماده ۳۱۸ اقامه دعوی بر علیه تمهیدکنندگان را بطور تضامنی و یا انفرادی ممنوع کرده است، و استدلال باینکه مرور زمان فقط مزایای اوراق زبور را از بین میبرد، باطبع مرور زمان مخالف ومنطقی بنظر نمی‌رسد. از طرفی ماده ۳۱۹ بدارنده برات اجازه داده است که تا حصول مرور زمان اموال منقوله از کسی که بضرر او استفاده بلاجهت نموده طلب خود را وصول کند. بنابراین متضرر بلاجهت، بر خلاف نظر طرفداران دسته سوم بر طبق نص صریح ماده ۳۱۹ فقط دارنده برات می‌باشد منتهی باید دید استفاده کننده بلاجهت کیست و مقصود از وضع ماده ۳۱۹ چه می‌باشد؟

ماده ۳۱۹ قانون تجارت مبنی بر یک قاعده کلی است که در حقوق اروپا بنام استفاده بلاجهت (Enrichissement sans cause) مشهور شده و مدرک آن در قاعده علی‌البد و آیه مبارکه **لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنِ تَرَاضٍ** می‌باشد.

قاعده مزبور در قانون مدنی ایران نیز در تحت عنوان «الزاماتیکه بدون قرارداد حاصل میشود» در مواد ۳۰۱ الی ۳۰۶ بیان گردیده و مقصود از آن اینست که هیچکس نباید از مالی بدون سبب قانونی استفاده کند و در صورت اخذ چنین مالی مجبور است آنرا بصاحبش باز گرداند.

ماده ۳۱۹ قانون تجارت نیز در بیان و اجراء همین قاعده حکم کلی، مقرر داشته که اگر دعوی مربوط ببرات فته طلب و چک بموجب ماده ۳۱۷ مشمول مرور زمان پنجساله گردد، این امر موجب نمیشود که کسی بتواند از قاعده مربوط بمنع استفاده بلاجهت فرار نموده قبل از حصول مرور زمان اموال منقوله، بضرر دارنده برات از وجه برات استفاده نماید.

برای تشخیص اشخاصی که از اجرای ماده ۳۱۸ قانون تجارت استفاده بلاجهت مینمایند، باید توضیح داده شود که این اشخاص بدون تردید ظهرنویس های ورقه تجاری نیستند.

زیرا علاوه بر اینکه دعوی دارنده بر آنها غالباً بعلت گذشتن سه ماه مهلت مقرر در ماده ۲۸۶ و قبل از حصول مرور زمان ساقط شده است، ظهرنویس ها همانطور که قبلاً هم توضیح داده شد بمنزله ضامن پرداخت میباشند و استفاده بلاجهتی نمیتوانند از آن بنمایند. همچنین دعوی دارنده برات برمحال علیهی که براترا قبول نکرده نیز نباید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در مورد برات فقط سه عامل باقی مینماید: دارنده برات و جانشین او، محال علیهی که برات را قبول کرده، صادرکننده برات.

مسئولیت تضامنی محال علیه و صادرکننده (و در بعضی موارد ظهرنویس ها) در مقابل دارنده برات، تا قبل از حصول مرور زمان پنجساله موجود و پس از آن ساقط میشود. و بموجب ماده ۳۱۸ دارنده برات نمیتواند برای وصول طلب خود را بصادرکننده و محال علیه رجوع نماید.

مرور زمان اسناد تجاری

حال در این دعاوی اسقاط شده، اگر برات دهنده در واقع از قبول کننده طلبکار بوده و محل را باورسانیده باشد، و او هم بهمین علت براترا قبول نموده ولی از پرداخت آن امتناع کرده باشد، و مرور زمان پنجساله دعاوی مربوط ببرات را ساقط کند، شخص محل علیه با قبول برات دین سابق خود را بصادر کننده پرداخته و در اثر انتقال طلب در مقابل وی بری شده است، و از طرفی بدارنده برات نیز چیزی در مقابل آن نپرداخته بنابراین بضرر دارنده استفاده بلاجهتی نموده که طبق ماده ۳۰۱ قانون مدنی باید آنرا بپردازد.

بالعکس اگر صادر کننده برات محل را فراهم ننموده باشد، و دعاوی دارنده بموجب ماده ۳۱۸ ساقط شود صادر کننده بدون جهت از اعتباری استفاده کرده و بضرر دارنده استفاده بلاجهتی کرده است که ملزم بپرداخت آن میباشد.

در مورد سفته و چک نیز همان قاعده فوق مجری است و کسی که بضرر دارنده برگ استفاده بلاجهت نموده موظف است تا حصول مرور زمان منقوله آنرا مسترد دارد ممکن است اشکال شود که در مورد سفته، همانطور که گفته شد ماده ۳۱۸ برای اسقاط دعاوی دارنده بظهنویسها انشاء نشده است، بنابراین چون متعهد و صادر کننده آن یک نفر میباشد و طبق قاعده سابق الذکر نیز فقط اوست که از اجرای ماده ۳۱۷ استفاده بلاجهت بضرر دارنده سفته مینماید، لذا اگر بعد از پنجسال نیز مجدداً بتوان بر علیه صادر کننده سفته اقامه دعوی نمود، چه لزومی داشت که ماده ۳۱۸ این دعویرا مشمول مرور زمان براند، و اثر ماده ۳۱۸ چیست؟

این اشکال گرچه ظاهراً وارد بنظر میرسد حتی عده با توجه بدان منحرف شده اند، ولی باتوجه بمواد قانون تجارت قابل دفع است، زیرا:

اولاً - برطبق ماده ۲۴۹ که مسئولیت ظهنویس و قبول کننده و صادر کننده براترا در مقابل دارنده آن معین مینماید پیش پیتی شده که ممکن است ضامنی ضمانت برات دهنده و یا محل علیه را بنماید، و ممکن است که مدت این ضمانت بیش از پنجسال باشد، بنابراین اگر کسی ضامن متعهد سفته شده باشد، ماده ۳۱۸ اقامه دعوی علیه ضامن را از بین میبرد.

ثانیاً - بموجب ماده ۲۸۸ مهلت سه ماهه مقرر در ماده ۲۸۶ نسبت بظهنویسها از فردای ابلاغ اخطاریه محکمه محسوب است، و ممکن است تا پنجسال نیز دعاوی ظهنویسی برآبادی سابق خود از بین رفته باشد و ماده ۳۱۸ این دعاوی را نیز از بین خواهد برد.

ثالثاً - پس از انقضای مدت پنجسال دعاوی دارنده سفته بر متعهد آن امتیازات دعاوی تجاری از قبیل تقاضای تأمین و اختصاری بودن دعوی و قابلیت اجراء موقت را از دست خواهد داد، مخصوصاً که در زمان انشاء این ماده صلاحیت محاکم نیز در مورد دعاوی تجاری تغییر پیدا میکرده است.

مرور زمان اسناد تجاری

در مورد ماده ۳۱۹ بحث دیگری ممکن است بوجود آید. بدین معنی که اگر اصل سند عادی مربوط بطلبی باشد که دارای مرور زمان کمتری است، آیا باز هم بموجب ماده ۳۱۹ مرور زمان دهساله شامل آنست، بطور کلی سند تابع مرور زمان مربوط بخود خواهد بود؟

از عبارت ماده ۳۱۹ چنین مستفاد میشود که در هر حال سند مشمول مرور زمان ده ساله است، زیرا مطالبه تجویز شده توسط ماده ۳۱۹ از حیث طلب نیست، بلکه از جهت استفاده بلاجهت و یا ضمان است که در ماده ۷۳۱ پیش بینی گردیده است. با اضافه از سیاق عبارت ماده چنین برمیآید که مرور زمان اموال منقوله حتماً باید بیش از پنجسال باشد.

قسمت دوم - مواعید که بعد از آن حق مراجعه دارنده برات ظهرنویسها ساقط میشود.

قبلاً باید این نکته را متوجه بود که مطالعه مواعید مزبور در بحث مربوط بمرور زمان از نظر اصول صحیح نیست، این مواعید شبیه مدت استیناف و تمیز، یا مهلتی است که ظرف آن خواهان میتواند نواقص دادخواست را رفع نماید، بنابراین قانونگذار ایران نیز آنرا در بحث مرور زمان نیاورده. و در حقوق فرانسه نیز عنوان خاصی بنام مواعید سقط حق دارد (Déchéance).

همانطور که قبلاً هم توضیح داده شده تشریح مواعید مزبور و اثرات آن خود محتاج بحث جداگانه ایست که از موضوع مطالعه ما خارج میباشد، تنها از نظر شباهتی که این بحث بمرور زمان دارد و از لحاظ تکمیل مطالب گذشته استناداً بکنته زیر اشاره میشود:

بموجب ماده ۲۸۶ « اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیبه شود و بعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حق که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف سه ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. » و برطبق ماده ۲۸۹ « پس از انقضای مواعید مقرر در مواد فوق، دعوی دارنده برات برظهنویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهنویسها برید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد

در اجرای دو ماده مزبور، برخی از دادرسان استدلال میکنند که راست است برطبق ماده ۲۸۶ دارنده برات یا سفته بایستی ظرف سه ماه برای مراجعه بظهنویسها اقامه دعوی نماید، و پس از انقضای مدت مزبور بموجب ماده ۲۸۹ دعوی مشارالیه بر علیه ظهنویسها در دادگاه سماع نیست، ولی مواد مزبور فقط مربوط بامتیازات تجاری اوراق مزبور است؛ و برطبق اصول کلی و ماده ۳۰۱ پس از اسقاط امتیازات مزبور، دارنده برات میتواند پولی را که بظهنویس داده مطالبه کند و نمیتوان حق دارنده سفته یا برات و چک را باین ترتیب تصبیح نمود.

در صحت استدلال مزبور که مورد اعتماد عدّه نسبتاً زیاد میباشد بدلائل زیر بتوان تردید کرد:

اولاً - قواعد مخصوص حقوق تجارت، قواعدی است استثنائی که در موارد تجاری عیناً باید اجراء شود، بنابراین اگر نسبت برات وسفته ویا چکی که بعلت عدم تأدیة اعتراض شده حکم خاصی وجود داشته باشد، نقض آن حکم بوسیله مقررات عمومی قانون مدنی امکان ندارد. قانون تجارت همانطور که برای اعتبار اوراق تجاری تضمینات مهمی قائل شده، همانطور هم نخواسته است که مسئولیت تضامنی متعهدین و ضمانت ظهرنویسها را تا مدت طولانی باقی بگذارد و لذا آنرا بمدت سه ماه محدود کرده است، و صحیح بنظر نمیرسد که برطبق قانون تجارت برای ظهرنویسها مسئولیت قائل شویم، ولی مدت آنرا باوجود نص صریح برطبق قانون مدنی تعیین کنیم. تصور نشود که استدلال مزبور با ماده ۳۱۹ قانون تجارت نیز انطباق دارد، زیرا برطبق نص ماده مزبور در صورتی میتوان از قاعده استفاده بلاجهت استفاده کرد که مرور زمان پنجساله حاصل شده باشد، بنابراین قبل از گذشتن پنجسال استناد باین ماده برفرض صحت نیز مورد ندارد، خاصه که ظهرنویسها در جریان برات استفاده بلاجهتی هم ننموده اند تا استناد بمواد ۳۱۹ قانون تجارت ویا ماده ۲۰۱ قانون مدنی ممکن باشد.

ثانیاً - برفرض که تجاوز حقوق مدنی را نسبت باوراق تجاری در اینمورد بخصوص مورد قبول قرار دهیم، باز هم اقامه دعوی بر علیه ظهرنویس امکان ندارد؛ زیرا ظهرنویسی ورقه تجاری از نظر قانون مدنی، بمنزله انتقال دین و باشق ۳ از ماده ۲۹۲ منطبق است، و این انتقال برطبق اصل مندرج در ماده ۲۱۹ که در فقه باصالةاللزوم مشهور شده، بین متعاملین وقائم مقام آنها لازم الاتباع است؛ و پس از وقوع عقد دارنده برگ تنها طلبی از متعهد دارد که باید خود وصول کند و انتقال دهنده نیز استفاده بلاجهتی در اینموضوع ننموده تا مراجعه باو امکان داشته باشد، منتهی در قانون تجارت برای استحکام اوراق مزبور تا مدت سه ماه برای انتقال دهنده نیز قائل بضمانت شده است و بنابراین پس از انقضای مهلت مزبور مراجعه بظهرنویس بهیچوجه امکان ندارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

